

در شماره ۱۳۰/۱۲۹ ماهنامه گرامی اطلاعات سیاسی-اقتصادی مقاله‌ای مندرج است زیر عنوان «پیمان ۱۹۱۹ و واکنش‌های برخاسته در برابر آن» نگارش نویسنده چیره‌دست و توانا جناب آقای افشین پرتو که در آن، پیمان نامبارک ۱۹۱۹ و پی‌آمدهای ناشی از بسته شدن این پیمان مورد بحث جامع و دقیق قرار گرفته است و در پایان هم اشارتی شده است به کودتای ۱۲۹۹ و «گشوده شدن تهران به دست قزاقان زیر فرمان رضاخان و صدور فرمان نخست‌وزیری سیدضیاءالدین طباطبائی بر اثر فشار نورمن و لغورسمی پیمان توسط سیدضیاء» که بی‌تردید مراد از «لغورسمی پیمان» همانا لغو «نمایشی» آن می‌باشد؛ چه، کودتای زمانی در ایران انجام گرفت که استقرار نظام مستشاری در ایران از برنامه وزارت امور خارجه انگلیس حذف شده بود!

و جیزه‌ای که به بهانه هفتاد و هشتمین سال کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ فراهم آمده است مروری است بر علل و جهات این تغییر سیاست.

استقرار «نظام مستشاری در امور نظامی و مالی ایران» که در قالب قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس بسته شد تسلط کامل امپراتوری انگلیس را بر شئون نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران مسلم می‌ساخت و سرتاسر خاک این کشور را تحت حاکمیت غیر مستقیم بریتانیا قرار می‌داد.

پیش‌نویس این پیمان که متضمن دو شرط اصلی قرار گرفتن مستشاران عالی‌رتبه انگلیسی در رأس دوایر قشون و مالیه ایران بود قبلاً در کمیته امور خاوری وزارت خارجه انگلیس به پیشنهاد لرد کرزن معروف که ریاست کمیته را به عهده داشت به تصویب رسیده بود. کوتاه‌زمانی بعد که لرد کرزن در غیبت مستر بالفور وزیر امور خارجه انگلیس که در جلسات کنفرانس صلح ورسای پاریس شرکت داشت به کفالت این وزار تخانه

برگزیده شد،<sup>۱</sup> با استفاده از اختیاراتی که از کمیته امور خاوری گرفته بود مذاکرات سیاسی خود را با وثوق الدوله نخست‌وزیر ایران که با حمایت انگلستان روی کار آمده بود آغاز کرد (احمد شاه درست يك سال قبل از امضای قرارداد یعنی در ۱۵ مرداد ۱۲۹۷ ش برابر هفتم اوت ۱۹۱۸ بنا به تمایل انگلستان بطور غیر متعارف صمصام السلطنه بختیاری نخست‌وزیر وقت را به بهانه «صدور تصویب‌نامه‌های مضر به حال مملکت»<sup>۲</sup> برکنار نمود و وثوق الدوله را به این سمت برگزید که در ازای این خدمت سرچارلز مارلینگ وزیر مختار وقت انگلیس به نزد شاه رفت و محرمانه اعلام داشت تا موقعی که شاه وثوق الدوله را بر سر کار نگاهدارد و از او حمایت نماید يك مقرری ماهیانه به مبلغ ۱۵ هزار تومان دربارۀ وی تعیین و منظمأً به نامبرده پرداخت خواهد شد).<sup>۳</sup>

مذاکرات مربوط به عقد قرارداد در تابستان ۱۲۹۸ بین وثوق الدوله و دو تن از اعضای منتفذ کابینه‌اش (نصرت الدوله فیروز وزیر عدلیه و صارم الدوله وزیر دارایی) به نمایندگی از جانب ایران<sup>۴</sup> و سرپرسی کاکس وزیر مختار انگلیس (جانشین سرچارلز مارلینگ) به نمایندگی از جانب بریتانیا و مشاوران سیاسی او بطور محرمانه بر اساس همان مواد تنظیم شده در لندن در حال انجام بود و این مذاکرات هم بیشتر جنبه تشریفات داشت و عمدتاً پیرامون تعیین میزان رشوه‌ای بود که طرف‌های ایرانی برای امضای قرارداد مطالبه می‌نمودند که سرانجام وزیر مختار انگلیس حاضر شد مبلغ چهار صد هزار تومان به نخست‌وزیر و دو وزیر کابینه‌اش بپردازد!

پیش از تقسیم این پولها از لندن به سرپرسی کاکس دستور داده شد که حتی المقدور چانه‌بزند تا شاید وزرای رشوه‌گیر به اخذ کمتر از آن میزان که مطالبه می‌کردند راضی شوند که کاکس در تلگراف مورخ چهارم اوت خود جواب

# قرارداد ۱۹۱۹ زمینه‌ساز کودتای ۱۲۹۹

ضیاءالدین رجائی

○ لغو پیمان ۱۹۱۹ بوسیلهٔ سید ضیاءالدین جنبهٔ نمایشی داشت، زیرا کودتای ۱۲۹۹ هنگامی در ایران انجام گرفت که استقرار نظام مستشاری در ایران از برنامهٔ وزارت امور خارجهٔ انگلیس حذف شده بود.

یکی به من بگوید من سیادت تو را می‌شناسم...»<sup>۷</sup>

مواد ۲ و ۳ قرارداد عیناً همان متن ارسال شده از لندن بود که در کمیتهٔ امور خاوری وزارت خارجهٔ انگلیس به تصویب رسیده بود و در مادهٔ ۴، بریتانیا با اخذ وثیقه اعتبارات مالی لازم را به صورت وام در اختیار ایران می‌گذاشت و در همین مادهٔ مذکور بود تا موقعی که مذاکرات مربوط به دریافت وام تکمیل نشده است حکومت بریتانیا قول می‌دهد که اعتبارات مالی لازم برای شروع اصلاحات مورد نظر را از محل همین وام بطور علی‌الحساب بپردازد.<sup>۸</sup>

حکومت بریتانیا از همان روزی که قرارداد امضا شد آن را بمنزلهٔ سند رسمی تلقی نمود و مقاد آن را به مورد اجرا گذاشت. نصرت‌الدوله وزیر امور خارجهٔ وقت مسافرتی به لندن کرد تا موجبات اجرای آن را فراهم سازد که اولین اقدام او پس از ورود به لندن استخدام تعدادی مستشار برای وزارت دارایی بود که در رأس آنها «آرمیتاژ اسمیت» قرار داشت. همزمان با استخدام مستشاران مالی، عده‌ای افسر انگلیسی نیز به ریاست «دیکسن» برای وزارت جنگ استخدام و به کار گمارده شدند.

اما از آنجا که سرپرسی کاکس و وثوق‌الدوله عاقدان قرارداد بخوبی می‌دانستند که یکی از شرایط اصلی تنفیذ قرارداد تصویب آن در مجلس شورای ملی است، پس لازمهٔ قانونی کردن قرارداد روی کار آوردن مجلسی بود که اکثریت اعضای آن حامی قرارداد باشند و سند امضا شده را عیناً تصویب نمایند؛ لذا به محض این که احمدشاه از ایران خارج شد (شاه سه روز پس از امضای قرارداد راهی اروپا شد) وثوق‌الدوله دست به کار انجام انتخابات که قسمت تهران در کابینه‌های قبلی انجام شده بود گردید و با تبعید مخالفان و توقیف جراید حقیقو در یک محیط رعب و وحشت انتخابات را شروع کرد و یک عده

داد: «حدّ اعلاى موقیّتی که در این کار نصیب شد پائین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چهار صد هزار تومان بود که معادل است با یکصد و سی و یک هزار و یکصد و چهل و هفت لیره و یازده شلینگ و نه پنس...»<sup>۵</sup>

قرارداد پس از گرفتن رشوهٔ یادشده سرانجام در ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۷ برابر نهم اوت ۱۹۱۹ میلادی (۱۸ مرداد ماه ۱۲۹۸) به امضای طرفین رسید که مادهٔ اول آن محترم شمردن استقلال و تمامیت ارضی ایران بود! همچنان که در مقدمهٔ قرارداد ۱۹۰۷ دولتهای روسیه تزاری و بریتانیا مشترکاً حفظ استقلال و تمامیت ایران را تضمین کرده بودند!

چه تعبیر نیکویی کرده است شادروان محمود محمود از این گونه احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها از جانب دولتهای استعماری:

«در قاموس سیاست اروپایی معنی جملهٔ (ضمانت استقلال و تمامیت مملکت يك دولت از طرف يك یا چند دولت خارجی) این است که آن مملکت ضمانت شده بالمآل ضمیمهٔ مملکت دولت ضامن گردد تا این که اگر در این ضمانت يك یا چند دولت دیگر هم شریک باشند بین آنها تقسیم شود و قدم دوم این ضمانتنامه تعیین منطقهٔ نفوذ است و بعد از آن الحاق...»<sup>۶</sup>

مرحوم سیدحسن مدرس نیز در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ در مجلس این سخن تاریخی را ادا کرد:

«بنده خیال می‌کنم هر کس متن قرارداد را مطالعه کرده باشد. چون من اهل سیاست نبودم مرور نمی‌کردم اگر چه یکی از مخالفین بودم، لیکن هر چه می‌گفتند که این قرارداد کجایش بد است گفتم من سر در نمی‌آورم. من سیاسی نیستم، آخوندم. فقط چیزی که می‌فهمم بد است آن مادهٔ اولش است که می‌گوید استقلال ایران را می‌شناسیم (خندهٔ نمایندگان) این مثل این است که

نامزدهای معلوم الحال که قبلاً التزام سپرده بودند در مجلس به نفع قرارداد رأی بدهند از صندوقهای انتخابات سر در آوردند.<sup>۱۰</sup>

شادروان عبدالله مستوفی دربارهٔ افتتاح انتخابات و تقلبهایی که برای بیرون آوردن نام افراد معین از صندوقها صورت گرفت در رسالهٔ «ابطال الباطل»<sup>۱۱</sup> به نقل نمونه‌هایی پرداخته است که از آن جمله است چگونگی انتخابات در شیراز و کرمانشاه که نامزدهای انتخاباتی آن وثوق الدوله از شیراز و نصرت الدوله از کرمانشاه بودند، یعنی دو تن از عاقدان قرارداد که می‌خواستند به مجلس بروند و رهبری نمایندگان موافق را در مجلس آینده برای به تصویب رساندن قرارداد بدون هر گونه حک و اصلاحی به عهده بگیرند.

«تعارف ار سالی از مرکز برای انتخابات شیراز ۱۵ هزار برگ بود که حضرت اشرف [وثوق الدوله] با ۲۵ هزار و کسری رأی از این دارالعلم انتخاب شد... با این که قبلاً خیلی اقدامات برای وکالت حضرت اشرف به عمل آمده بود بعد از اخذ رأی حس کردند که اکثریت را حائز نخواهد شد به موجب تلگراف مرکز، استخراج آرا چند روزی توقیف و به جای صندوق، درب مسجد را قفل و مهر کردند و از طرف والی [شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما پدر نصرت الدوله] چاتمه سر باز هم در مسجد گذاشتند ولی شبانه از سوراخ بام آدم پائین رفته آرائی را به صندوق انداخت و مقداری از اوراق صندوقها را بیرون آورد منتهی چون مجال شمارش نبود که به تعداد اوراقی که به صندوق می‌ریزند همان اندازه خارج کند، این بود که سرو کلهٔ حضرت اشرف به جای ۱۵ هزار رأی با ۲۵ هزار رأی از صندوق بیرون آمد.

در انتخابات نصرت الدوله از کرمانشاه همین اختلاف نتیجهٔ استخراج آراء با اوراق منتشره موجود بود فقط تفاوتی که با انتخاب شیراز داشت همانا تفاوت پختگی و خامی پدر و پسر بود که در شیراز شاهزاده فرمانفرما صورت ظاهر را محفوظ

داشت ولی در کرمانشاهان جوانی و خامی سالار لشکر حکمران محل [عباس میرزا سالار لشکر پسر دوم فرمانفرما] به زور اسلحه نام اخوی را از صندوق بیرون آورد چه هر يك نفر لری که وارد انجمن می‌شد موزر به دست با يك تعرفه يك دسته ورقه که اقلماً محتوی ده دوازده رأی بود به صندوق می‌انداخت بدون این که انجمن نظارت جرأت اعتراض داشته باشد.<sup>۱۲</sup>

با همهٔ مداخلاتی که از جانب دولت وثوق الدوله در امر انتخابات صورت می‌گرفت دموکراتهای تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی به پیروزی بزرگی دست یافتند و شش کرسی از نه کرسی مجلس را تصاحب کردند.

وثوق الدوله دریافت که اگر خیابانی و دیگر نمایندگان آزادیخواه تبریز به مجلس راه یابند در راه تصویب قرارداد مشکل ساز خواهند بود، بنابراین تصمیم گرفت حزب دموکرات تبریز را منحل نماید که دموکراتها در واکنش به این تصمیم بر ضد حکومت مرکزی قیام کردند و در کوتاه مدت تمام شهر تبریز و همهٔ ادارات دولتی را متصرف شدند و امور شهر را به دست گرفتند.

این قیام به دیگر نقاط آذربایجان تسری یافت و شهرهای ارومیه، خوی، اردبیل، سلماس و زنجان را در بر گرفت و شش ماه دوام یافت تا این که در کابینهٔ مشیر الدوله، مخبر السلطنه هدایت از جانب دولت به استناداری آذربایجان برگزیده شد و او محیلانه خیابانی را مقتول و قیام را سرکوب کرد.

قیام خیابانی که مقابلهٔ جدی با کابینهٔ وثوق الدوله بود تضعیف کابینه را باعث گردید و آن را به آستانهٔ سقوط نزدیک کرد.

از طرفی، آزادیخواهان میهن دوست، روزنامه نویسان حقگو و شاعران آزاداندیش با پخش شبنامه‌ها، تشکیل جلسات سخنرانی، برپایی تظاهرات و نشر مقالات افشاگرانه و سرودن اشعار انتقادی به مخالفت جدی با این قرارداد استقلال برپادده برخاستند و عاملان قرارداد را

○ وزیر مختار وقت انگلیس در تهران به احمد شاه اعلام کرد تا زمانی که وثوق الدوله را بر سر کار نگه دارد و از او حمایت کند، ماهانه پانزده هزار تومان به او پرداخت خواهد شد.

مورد حملات شدید قرار دادند.

شورش میرزا کوچک خان جنگلی یکی دیگر از پیامدهای مهم این قرارداد ننگین و اسارت بار بود. وی «که با عده‌ای از رجال و ملیون ایران حتی شخص شاه و مخالفین قرارداد محرمانه سر و سرری داشت دائماً دولت و ثوق الدوله را تهدید می نمود.»<sup>۱۳</sup>

و ثوق الدوله دوبار به تلاش برخاست تا با وعده و وعید جنگلیها را بفریبد و با دولت خود همراه سازد. بدین منظور هیأت‌هایی را برای مذاکره نزد میرزا کوچک خان فرستاد که چون از این حيله طرفی نبست به ایجاد اختلاف و دسته‌بندی میان رهبران جنگل دامن زد و توانست بین دور رهبر اولیة نهضت جنگل و دو یار قدیمی یعنی میرزا کوچک خان و حاجی احمد کسمائی که به گفته شادروان ابراهیم فخرائی به هم پیوستگیشان بسان «جوزا» بود<sup>۱۴</sup> اختلاف بیندازد تا آنجا که حاجی احمد یار هم‌قسم و هم‌رزم میرزا برادرش را با نامه فدایت شوم نزد وثوق الدوله فرستاد و آمادگی خود و نفرات زیر دستش را برای تسلیم و وفاداری اعلام نمود که این سیاست نفاق افکنانه هم برای از هم پاشاندن نهضت بی‌ثمر ماند.

و ثوق الدوله «برای یکسره کردن کار جنگل متوسل به ساعد الدوله پسر سپهسالار تنکابنی شد. وی از تنکابن با عده‌ای نیرو به جنگلیها حمله نمود، اما قوای ساعد الدوله در مقابل دکتر حشمت که فرماندهی قسمتی از قوای جنگل را داشت نتوانست پایداری کند و سخت شکست خورد. در خلال این احوال، نفوذ انقلابیون در روسیه مستقر گردید و در آن کشور موفقیت‌هایی نصیب ارتش سرخ شد. دیر یازود قفقاز به تصرف آنان در می آمد و با سرحدات شمالی ایران تماس حاصل می شد. بنابراین انگلیسیها و حکومت و ثوق الدوله این حوادث را پیش بینی کردند و پی بردند به این که قوای جنگل اگر هم

منهزم یا پاشیده شود سران آن پس از چندی دوباره گرد هم جمع خواهند شد و ایجاد نیرو خواهند کرد. بهترین راهی که آنها را به هدف نزدیک می کرد این بود که با میرزا کوچک خان به گونه‌ای کنار آیند؛ لذا وثوق الدوله عده‌ای را از طرف خود به جنگل فرستاد و به میرزا تکلیف کرد در صورتی که اطاعت امر او را بنماید فرمانفرمایی گیلان و سواحل دریای خزر را به او واگذار خواهند کرد که میرزا این پیشنهاد را نپذیرفت و پیغام داد: من با دولتهای دست‌نشانده اجنبی کار نخواهم کرد.<sup>۱۵</sup>

در چنین احوالی حکومت آذربایجان قفقاز سقوط کرد<sup>۱۶</sup> و کشتی‌های جنگی ارتش سرخ در تعقیب نیروهای فراری ضد انقلاب وارد گیلان شد و در انزلی بر قوای انگلیس چیره گشت.<sup>۱۷</sup> قشون انگلیس و قزاقان ایرانی تحت فرماندهی استار و سلسکی<sup>۱۸</sup> به منجیل عقب نشستند (شعبان ۱۳۳۸).

اوضاع گیلان با ورود ارتش سرخ دگرگون شد. انقلابیون گیلان ورود این نیروها را به سواحل ایران مغتنم شمرده دور هم جمع شدند و حکومت جمهوری به ریاست (سر کمیسری) میرزا کوچک خان را در رشت اعلام نمودند<sup>۱۹</sup> و نفوذ خود را در آن خطه بسط دادند؛ از يك سو تا منجیل و حوالی قزوین و از سوی دیگر تا شهر بار فروش (بابل) و مشهدسر (بابلسر) در مازندران پیش رفتند.

و ثوق الدوله در برابر طوفان پایداری خود را از دست داد و چند روز بعد از بازگشت شاه از سفر اروپا ناچار به کناره‌گیری شد و مشیر الدوله نامزد احراز نخست‌وزیری گردید. وی برای قبول زمامداری دو شرط قائل شد یکی این که اجرای قرارداد تا زمانی که تکلیف آن در مجلس آینده روشن نشده به تعویق افتد، دیگر این که کمک مالی دولت انگلیس به دولت ادامه یابد و حقوق قزاقها نیز پرداخت شود<sup>۲۰</sup> که این هر دو

○ در انتخابات فرمایشی برای تشکیل مجلسی که می‌بایست قرارداد ۱۹۱۹ را تصویب کند، تعرفه‌های فرستاده شده به شیراز ۱۵ هزار برگ بود، اما حضرت اشرف [و ثوق الدوله] با ۲۵ هزار و کسری رأی از این شهر انتخاب شدند!

شرط مورد موافقت نورمن وزیرمختار انگلیس (جانشین سرپرسی کاکس) که تازه وارد ایران شده بود قرار گرفت به شرط آن که دولت بی درنگ پارلمان را افتتاح کند و قرارداد را حداکثر تا چهارماه که آخرین مهلت ادامه کمک مالی به دولت ایران بود از تصویب مجلس بگذراند.

مشیرالدوله پس از تشکیل کابینه (۱۴ تیرماه ۱۲۹۹) برای شانه خالی کردن از افتتاح مجلس که قبول آن راداده بود به ابتکار جالبی دست زد و بزرگترین مانع در راه افتتاح فوری پارلمان را وصول شکایات مستمر نسبت به انتخابات انجام شده دانست و اعلام نمود «متشکبان» الغای انتخابات و تجدید آن را خواستار هستند که چون «در قانون انتخابات و قوانین دیگر چیزی دیده نشده که دولت را مجاز دارد که خود به شخصها انتخابات را ولو اینکه معیوب باشد لغو کرده به تجدید آن حکم دهد... در عین حال هیئت دولت انصراف نظر از شکایات را هم برای حفظ حیثیت همان مجلسی که محور امور این مملکت خواهد بود، دور از اندیشه دانسته و تصور می نماید که برای رفع تشویش افکار عامه و طریق اصلاح امر باید ترتیبی اتخاذ شود که جامع هر دو نظر باشد یعنی تسریع در افتتاح مجلس و ضمناً اتخاذ طریق صحیح برای تعیین تکلیف انتخاب گذشته. به این نظر هیئت وزراء تصمیم گرفته اند که اولاً در حوزه هایی که هنوز انتخابات به عمل نیامده از تاریخ نشر این بیانیه به حکام امر شود که مشغول انجام انتخابات باشند ثانیاً در عین اینکه انتخابات بقیه وکلا به عمل می آید در حوزه هایی که تا امروز وکیل معرفی کرده اند مراجعه به آرای اهالی [رفراندم] که حق انتخاب کردن دارند خواهد شد. هرگاه اهالی حوزه های مذکور انتخابات گذشته را تقویت نمودند، مجلس شورای ملی با همان وکلای منتخبه حالیه وعده دیگری که از امروز به بعد انتخاب می شوند افتتاح خواهد گردید و اگر نتیجه آرای عمومی معلوم نماید که مردم از انتخابات گذشته رضایت ندارند

○ وثوق الدوله به میرزا کوچک خان پیغام داد که اگر اطاعت امر کند، فرمانفرمایی گیلان و سواحل دریای خزر به او واگذار خواهد شد. میرزا این پیشنهاد را نپذیرفت و پاسخ داد: «من با دولتهای دست نشانده اجنبی کار نخواهم کرد.»

حکم خواهد شد که نسبت به وکلای انتخاب شده تجدید انتخابات به عمل آید. حسن مشیرالدوله رئیس الوزراء.<sup>۲۱</sup>

لرد کرزن که به گذرانیدن سریع قرارداد از تصویب مجلس شورای ملی ایران اصرار داشت، از این که می دید مشیرالدوله با طفره و تعلیل از انجام تعهدات خود سرباز می زند، سخت ناراحت و عصبانی بود.

سرانجام مهلت چهارماه به پایان رسید و گشایش مجلس کماکان در بوتۀ تعویق باقی ماند. مشیرالدوله توانست در کمتر از چهارماه ماز ندران را از قوای جنگل پاك سازد و قیام خیابانی را سرکوب نماید که این اقدامات موجب رنجش گروهی از ملیون و آزادیخواهان از دولت گردید و در مقابل کارشکنی های روزافزون انگلیس راهی جز کناره گیری برای او باقی نماند.

افتتاح نشدن مجلس، مخالفت مشیرالدوله با نظر انگلیسیها که برای در اختیار گرفتن قوای قزاق خواستار عزل استار و سلسکی از مقام فرماندهی گل نیروی قزاق بودند و اعزام مشاور الممالک به مسکو به سمت سفیر فوق العاده بمنظور ایجاد روابط حسنه با حکومت شوروی که اسباب نگرانی دولت انگلیس شده بود و تهدید آن دولت مبنی بر قطع مساعده پرداختی به بهانه این که مدت چهار ماه تعیین شده منقضی گردیده، همه مشکلاتی بود که مشیرالدوله را مجبور به استعفا کرد.

با کناره گیری مشیرالدوله، فتح الله خان اکبر (سپهدار رشتی) که مورد قبول وزارت خارجه انگلستان بود در چهارم آبان ۱۲۹۹ برابر ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰ به فرمان شاه تشکیل کابینه را عهده دار گردید و سید ضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد یکی از عمال سرشناس امپریالیسم انگلیس و رئیس کمیته زرگنده<sup>۲۲</sup> (که عده ای از رجال آنگلو فیل را تحت پوشش داشت) رابط میان رئیس دولت و سفارت انگلیس بود.

نخستین کاری که سپهدار پیش از تعیین وزرا و

انتخابات نیز گسترش می‌یافت و اظهار نارضایتی مردم در مرکز و ولایات از نحوه جریان انتخابات افزون‌تر می‌گردید و همه اینها مشکلاتی در راه افتتاح مجلس مورد نظر دولت بود.

جو جامعه بر ضد قرار داد چنان بود که «سی و نه تن از نمایندگان که نخبه و تقریباً اکثریت مجلس را تشکیل می‌دادند لایحه‌ای به جریده رد دادند و عدم موافقت خود را با قرار داد ایران و انگلیس اعلام داشتند»<sup>۲۶</sup> و پاره‌ای از نمایندگان منتخب شهرستانها که به تهران نیامده بودند از اجرای دستور وزارت کشور مبنی بر حرکت فوری به مرکز به بهانه سرمایه‌ی زودرس زمستان یا خرابی جاده‌ها سرباز زدند و حتی دو تن از نمایندگان خراسان پس از دریافت چهار فقره تلگراف اکید از مرکز که هر چه زودتر به تهران حرکت کنند، به جای امتثال امر دولت استعفای خود را از نمایندگی مجلس تلگرافی تقدیم داشتند!<sup>۲۷</sup>

در چنین هنگامه‌ای اخبار رسیده از مسکو موجبات نگرانی خاطر سیاستمداران انگلیس را فراهم آورد. این اخبار حکایت از آن داشت که مذاکرات مشاور الممالک با مقامات شوروی در حال پیشرفت است و در پیمان در دست تصویب، رژیم انقلابی روسیه تمام پیمانها و قراردادهای استعماری دولت سابق روس با ایران را باطل اعلام کرده و از همه قروضی که ایران به روسیه دارد چشم پوشیده است.

بدیهی است با بسته شدن چنین پیمانی، انگلستان غولی را که از بلشویکها ساخته بود و بوسیله آن درباریان و شاه ترسو و علاقه‌مند به پول را می‌ترسانید از دست می‌داد و لرد کرزن دیگر نمی‌توانست ادعا نماید که هدف دولت انگلیس از انعقاد قرار داد ایران و انگلیس نجات ایران از تعرض بالشویکهاست!

با همه کوششی که مقامات سفارت انگلیس در جلوگیری از نشر این اخبار در بین مردم

معرفی کابینه انجام داد، عزل استاروسلسکی فرمانده روسی قزاقخانه بود که نامبرده پست خود را در قزوین به یکی از افسران ایرانی بر خوردار از حمایت انگلیسیها به نام سردار همایون (قاسم خان والی) تحویل داد و از طریق همدان عازم بغداد شد. دیگر افسران روسی نیز که در خدمت ایران بودند همگی منفصل شدند. راجع به برکناری افسران قزاق روس صاحب نظران را عقیده بر این است که چون در آن تاریخ نقشه کودتا توسط طراحان آن از جمله ژنرال آیرنسايد که به تازگی به ایران مأموریت یافته (۲۶ دسامبر ۱۹۲۰) و فرماندهی نورپرفورث (نیروی نظامی بریتانیا مستقر در شمال ایران که مقررش اخیراً از انزلی به قزوین منتقل شده بود) را به عهده داشت در حال شکل گیری بود<sup>۲۳</sup> و نقشه آتی طراحان کودتا برای استقرار يك دولت مقتدر ضد شوروی در ایران با حضور فرماندهان و افسران روسی که ممکن بود تحت تأثیر شرایط تازه در سرزمین آنها قرار گیرند به مخاطره می‌افتاد، لازم می‌آمد که همه افسران روسی از کار برکنار شوند.

وظیفه دیگر سپهدار، سعی در افتتاح فوری مجلس و تعیین تکلیف قرار داد بود زیرا لرد کرزن در تلگراف مورخه ۵ نوامبر ۱۳/۱۹۲۰ آبان ۱۲۹۹ خود به نورمن بدون آنکه دیگر درباره تشکیل مجلس بی‌تابی نماید به دولت سپهدار يك ماه فرصت داده بود که تکلیف قرار داد را «نفیاً یا اثباتاً»<sup>۲۴</sup> روشن سازد و سپهدار در انجام چنین دستوری مصرانه می‌کوشید و به صراحت می‌گفت: «من مجلس را باز می‌کنم با هر و کیلی که باشد و به هر صورت که انتخاب شده باشد بی آنکه گوش به اعتراضی بدهم چون بیش از این نمی‌شود کار را بلا تکلیف گذارد.»<sup>۲۵</sup>

به دستور دولت فعالیت انتخاباتی در شهرستانهایی که انتخابات در آنها انجام نگرفته بود با سرعت آغاز گردید که هر چه این فعالیتهای دستوری بیشتر می‌شد هیجانانگیزتر می‌گردید.

○ کمیته زرگنده يك شبکه سیاسی بود که سازمان اطلاعاتی انگلستان در پوشش آن رجال گوناگون را مؤتلف می‌ساخت و استراتژی خود را پیش می‌برد.

○ قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی به اندازه‌ای دور از عرف دیپلماسی آن زمان بود که انگلیسی‌ها تا مدتی باور نمی‌کردند روسها حقیقتاً بخواهند از همه امتیازات مهمی که پایه‌های نفوذ سیاسی و اقتصادی آنها را در ایران تشکیل می‌داد یکجا چشم‌پوشند.

داشتند باز هم خبرها از طریق سفارت‌خانه‌های غیرانگلیسی کم و بیش منتشر می‌شد. در چنین وضع حساسی انگلیس بر آن شد قبل از این که همراهی‌های دولت شوروی با ایران علنی شود با پیاده کردن یک طرح ضربتی مواد عمده و اساسی قرارداد ایران و انگلیس را که همانا نظارت بر امور مالی و نظامی ایران باشد بدون آنکه در مجلس مورد تصویب قرار گیرد به صورت دیگر رسمیت دهد تا به گفتهٔ یحیی دولت‌آبادی «اختیار زر و زور در این مملکت بطور قانونی در دست انگلستان باشد».<sup>۲۸</sup>

در این طرح ضربتی که از جانب وزیرمختار انگلیس به صورت اولتیماتوم به سپهدار تسلیم گردید از دولت ایران خواسته شد: «دولت بدون لحظه‌ای درنگ تشکیل ارتش ملی تحت نظر افسران انگلیسی را آغاز کند و این مسئله را ابداً به مسئلهٔ قرارداد ایران و انگلیس پیوند ندهد و امور مالی کشور را به مستشاران عالی‌رتبهٔ انگلیسی بسپارد و ترتیباتی اتخاذ نماید که پس از خروج قوای بریتانیا از ایران (که ضرب‌الاجل تغییر ناپذیر آن بهار آینده است) اهالی این کشور در مقابل دشمنان خارجی [یعنی بالشویکها] کاملاً بی‌دفاع نمانند. عواقب رد شدن این اتمام حجت کلاً بر عهدهٔ مقاماتی است که مقدرات کشور را در حال حاضر در دست دارند».<sup>۲۹</sup>

سپهدار برای تعیین تکلیف دولت در قبال این یادداشت با جلب موافقت شاه مجلس مشاورهٔ عالی را که مسبقاً به سابقه هم بود<sup>۳۰</sup> با شرکت زعمای مملکت مرگب از آیات عظام، شخصیت‌های سیاسی فرهنگی و اقتصادی، وزرا و نخست‌وزیران سابق و تعدادی از نمایندگان که برای دورهٔ چهارم برگزیده شده بودند تشکیل داد تا از این جمع دربارهٔ رد یا قبول اولتیماتوم نظر خواهی نماید که هدف اصلی از این نظر خواهی پذیرفتن اولتیماتوم از جانب این مجمع عالی بود!

مرحوم یحیی دولت‌آبادی که از آگاهان به مسائل سیاسی زمان خود بود در این مجمع که اعضای آن به سیصد نفر بالغ می‌گردید حضور فعال داشت غرض واقعی تشکیل دهندگان مجلس مشاورهٔ عالی را، که «شاید فکر یادداشت دهندگان هم در آن دخالت داشته»<sup>۳۱</sup>، این می‌داند که «چون مجلس عالی منعقد گشت و یادداشت خوانده شد بدیهی است یک جمعیت سیصد نفری که نمی‌تواند در یادداشت نظر کند و رأی بدهد لذا پیشنهاد می‌شود که رأی در باب این یادداشت در مجلس شورای ملی باید داده شود و چون عدد نمایندگان برای دایر شدن مجلس کافی نیست پس لازم می‌آید که از میان این مجلس رسمی عالی سی نفر انتخاب شوند که با بیست و چند نفر نمایندهٔ انتخاب شدهٔ عددهشان با اکثریت نمایندگان در مجلس مطابق شود و این هیأت تقریباً شصت نفری موقتاً به جای مجلس شورای ملی در موضوع قبول یا رد یادداشت انگلیس رأی بدهند و در این حال سعی بر این باید باشد که آن سی نفر، از طرفداران سیاست انگلیس که به این مجلس عالی دعوت شده‌اند انتخاب شوند که در این صورت در پذیرفته شدن یادداشت تردیدی نخواهد بود و این کار در ظرف یکی دو روز انجام خواهد گرفت و انگلیسیان به فوریت خواهند توانست اختیار زر و زور مملکت را در دست قدرت خود بگیرند. زان پس مجلس دیر باز شد یا زود، اعتراضی بر انتخاب نمایندگان شد یا نشد، قانون اساسی خوبیهای حساسترین افراد این ملت متزلزل گشت یا نگشت به حال آنها چه تفاوت خواهد داشت...»<sup>۳۲</sup>

مجلس مشاورهٔ عالی برای تأمین چنین نیتی در ششم آذرماه ۱۳۲۹/۱۶/۱۳۳۹ ربيع الاول ۱۳۳۹ برابر ۲۷ نوامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد و مقاد اولتیماتوم مورد بحث و گفتگو قرار گرفت که در نتیجهٔ فعالیت‌های ملیون و وطنخواهانی که در زمرهٔ دعوت‌شدگان به این مجمع راه یافته بودند

اولتیماتوم صحبت فرمود که از لحن بیانات آن بزرگوار چنین پیدا بود که مشارالیه به نتیجه مذاکرات نماینده ایران در مسکو خوشبین و امیدوار است.

سرانجام مجلس تصمیم گرفت پیش از وصول گزارش مذاکرات مشاور الممالک سفير فوق العاده ایران در مسکو با مقامات آن کشور هیچ گونه تصمیمی درباره اولتیماتوم گرفته نشود «زیرا با امضاء پیمان مورد علاقه طرفین، خطر حمله بالشویکها به ایران از بین می‌رفت و واحدهای نظامی آنها از گیلان فراخوانده می‌شدند و این فرضیه انگلیس که قوای مسلح سرخ به محض بیرون رفتن واحدهای نظامی بریتانیا از ایران پیشروی خود را به سوی تهران آغاز خواهند کرد باطل می‌شد و در آن صورت احتیاجی به سپردن زمام امور مالی و نظامی کشور به دست انگلیسیها باقی نمی‌ماند.»<sup>۳۵</sup>

مجلس مشاوره عالی تا معلوم شدن نتیجه مذاکرات مسکو تعطیل شد و کوتاه زمانی بعد، مشاور الممالک پیش نویس قرارداد ۲۶ ماده‌ای ایران و شوروی را که حاصل مذاکرات چندماهه او با مقامات شوروی بود به تهران فرستاد و دولت سپهدار برای تعیین تکلیف این پیش نویس باز هم دست به دامان مجلس مشاوره عالی شد که مجلس مذکور منعقد در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۲۹۹/۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۹ برابر هشتم ژانویه ۱۹۲۱، پس از جرح و تعدیل مختصر در پاره‌ای مواد، آن را مورد تصویب قرار داد.

در پیش نویس قرارداد ایران و شوروی که پس از تصویب نهایی به عهدنامه ۱۹۲۱ معروف گردید، پاره‌ای از تعهدات شوروی نسبت به ایران عبارت بود از:

- لغو تمامی معاهدات و قراردادهای دولت سابق روسیه با ایران؛  
- لغو قراردادهای سابق روسیه با هر دولت ثالث راجع به ایران؛

مذاکرات مجلس در مسیری قرار گرفت که انگلیسیان و ایادی آنها هرگز انتظارش را نداشتند.

دولت آبادی در خاطرات خود می‌نویسد: «در روز تشکیل مجلس عده‌ای از این وطنخواهان قرآن در دست گرفته رجال و شاهزادگان را که عازم محل تشکیل مجلس بودند به کلام الله قسم می‌دادند که اگر نمی‌توانند بر صلاح مملکت سخن گویند سکوت نمایند ولا و نعمی نگویند... من نیز باید بود از همین فضا بگذرم و به مجلس عالی بروم. دسته بزرگی از ملیون که سردسته ایشان شیخ محمد علی الموتی است و شخص وطن پرستی است در کسوت روحانیان سر راه بر من گرفته با این عبارت احساسات وطن پرستانه مرا به هیجان می‌آوردند که آیا به شما هم باید سفارش کرد و نصیحت داد!

نگارنده آنها را اطمینان داده و می‌گویم ممکن نیست بگذاریم از مجلس نتیجه‌ای که صلاح مملکت نباشد گرفته شود.»<sup>۳۳</sup>

بارسمیت یافتن مجلس در تاریخ و ساعت معین، ناطقین ضمن سخنرانیهای پرشور در رد اولتیماتوم یا مسکوت ماندن آن سخن گفتند و از جانب آیات عظام حاضر در جلسه بیانیه‌ای قرائت گردید بدین مضمون:

«... در خصوص مسئله‌ای که اخیراً از طرف دولت فحیمه انگلیس دوستانه پیشنهاد شده است داعیان بعد از اطلاع از مسائل جاریه بالخصوص اقدامات مأمورین دولت ایران در روسیه با مطالعات لازمه عقیده خود را در صورت لزوم اظهار خواهیم نمود.»<sup>۳۴</sup>

امضاء کنندگان بیانیه: امام جمعه تهران - حاج امام جمعه خوئی - سید محمد بهبهانی - حاج سید مرتضی - سید حسن مدرس - علی نجم آبادی و میرزا هاشم آشتیانی.  
آنگاه مجتهد نامدار سید حسن مدرس در تأیید لایحه علما و اظهارات نمایندگان در «نفی»

○ رضاخان سردار سپه:  
«باحضور من، مسبب حقیقی کودتا را تجسس کردن مضحک نیست؟»  
مدیر روزنامه نجات: «عامل کودتا تو نبودی، انگلیسی‌ها بودند.»



-ابطال قروض ایران به روسیه؛

-واگذاری بانک استقراری روس با نفوذ و

اشیاء و محاسبات و اموال منقول و غیر منقول آن به ایران؛

-بی اعتبار بودن تمام امتیازاتی که دولت سابق

روسیه و اتباع آن از ایران گرفته اند؛

... و تعهد رسمی از جانب دولت شوروی که

نیروهای خود را از خاک ایران بیرون ببرد (به شرطی که دولت بریتانیا عین این عمل را انجام دهد).

«پیش نویس عهدنامه ایران و شوروی

به حدی... از عرف دیپلماسی آن زمان به دور بود

که انگلیسیها تا مدتی باور نمی کردند روسها حقیقتاً

چنین نیتی داشته و بخواهند از این همه امتیازات

مهم که پایه های نفوذ سیاسی و اقتصادی آنها را در

ایران تشکیل می داد یکجا صرف نظر کنند...»<sup>۳۶</sup>

ولی در عین «ناباوری»<sup>۳۷</sup> آقای نورمن، امضای

نهایی پیمان در ۲۶ فوریه همان سال حسن نیت

زامداران حکومت نوپای شوروی را به اثبات

رسانید و انگلیسیها هم دیگر نه می توانستند و نه

به مصلحتشان بود که خطر تهاجم بالشویکها به

ایران و اشغال ایران از طرف ارتش سرخ را بهانه

تحت الحمايه قرار دادن این کشور زیر نام «استقرار

نظام مستشاری در امور نظامی و مالی ایران» قرار

دهند. بنا بر همین ملاحظات بود که پیمان استقلال

بربادده ۱۹۱۹ از برنامه استعماری انگلیس حذف

شد و تصمیم بر این شد که مواد قرارداد که

می بایست به دست مأموران انگلیسی انجام یابد

به دست يك حکومت مقتدر و متمرکز ایرانی

ضد شوروی صورت پذیرد.

انصراف زمامداران انگلیس از تحمیل قرارداد

به ایران از جوابی که لرد کرزن به تلگراف ششم

ژانویه ۱۹۲۱ نورمن داده است به خوبی آشکار

می گردد.

نورمن وزیر مختار انگلیس در ایران در

تلگراف ششم ژانویه خود به لندن ظاهراً مسئله

افتتاح مجلس و تعیین تکلیف قرارداد را مجدداً  
پیش کشیده بوده که لرد کرزن در جواب این  
تلگراف با قاطعیت پاسخ داده که:

«... ضرب الاجل یکماهه ما برای تعیین

تکلیف قرارداد در مجلس شورای ملی ایران

سی و یکم دسامبر ۱۹۲۰ بود که اکنون قریب دو

هفته از انقضای آن می گذرد و دیگر علاقه ای

به سر نوشت این قرارداد نداریم اما هیچ لازم نیست

که شما در این زمینه پیش قدم شوید و تصمیم

دولت انگلستان را که قرارداد از نظر ما ملغی است

رسماً به اطلاع دولت ایران برسانید...»<sup>۳۸</sup>

این توصیه بدان معنی بود که اگر انگلستان در

اعلام لغو قرارداد پیش قدم می شد و رسماً در این

باب اظهار نظر می کرد دخالت خود را در کودتایی

که در نظر داشت انجام دهد علنی کرده بود!

باری، با حذف «قرارداد» از برنامه دولت

انگلیس دیگر از جانب لرد کرزن برای افتتاح

مجلس فشاری به دولت ایران وارد نیامد و در دوره

فترت برنامه کودتا توسط عاملان آن (سید ضیاء-

رضاخان) انجام گرفت و برای اعتبار بخشیدن به

این حرکت ضد ملّی سید ضیاء الدین طباطبائی

نخست وزیر کودتا که زمانی از مدّاحان قرارداد

بود و در تمام مراحل مذاکرات محرمانه مربوط به

قرارداد رابط میان سفارت انگلیس و شخص

و ثوق الدوله نخست وزیر بود<sup>۳۹</sup> و وقتی پیمان

علنی شد در روزنامه «عهد» که مدیریت آن را

داشت از وثوق الدوله عاقد قرارداد با نهایت

بی پروایی حمایت کرد و روز بسته شدن قرارداد

را «دوره شروع تجدّد ایران»<sup>۴۰</sup> می نامید! از طرف

اربابان خود مأموریت یافت که بعنوان يك حرکت

ملّی! قرارداد «مرده ای»<sup>۴۱</sup> را لغو نماید و تصمیم

دولت ایران مبنی بر الغای قرارداد را به آگاهی

سفارت فحیمه انگلیس برساند!

سعی و کوشش انگلیسیها بر این بود که

دخالت خود را در این خیمه شب بازی پنهان نگاه

دارند و چون با سقوط حکومت صدروزه

۱. لرد کرزن در ششم ژانویه ۱۹۱۹ به کفالت وزارت خارجه و در ۲۴ اکتبر همان سال بعنوان وزیر امور خارجه برگزیده شد.

۲. تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد یک (قطع حبیبی)، ص ۳۱.

۳. دکتر جواد شیخ‌الاسلامی، سیمای احمدشاه، جلد یک، ص ۲۱۹.

۴. در این‌گونه مذاکرات که مربوط به سیاست خارجی کشور است شرکت وزیر امور خارجه ضروری است، لکن علیقلی خان انصاری (مشاور الممالک) وزیر امور خارجه کابینه و ثوق‌الدوله در این هنگام در تهران حضور نداشت و در مقام رئیس هیأت نمایندگی ایران که قرار بود خواستها و دعاوی ایران را به اطلاع کنفرانس صلح و رسای برساند در پاریس به سر می‌برد. کار هیأت اعزامی برای شرکت در جلسات کنفرانس با موفقیت رو به پیشرفت بود که با افساشی قرارداد بین ایران و انگلیس و تغییرات حاصله در کابینه ایران که مشاور الممالک دوروز قبل از امضای قرارداد از وزارت خارجه معزول و نصرت‌الدوله به‌جای او منصوب گردید، کنگره صلح بعنوان این‌که ایران با دولت انگلیس کنار آمده، نمایندگان ایران را به کنگره نپذیرفت.

۵. سیمای احمدشاه، جلد یک، ص ۲۲۳.

۶. محمود محمود، تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، جلد یک، ص ۳۴۰.

۷. حسین مکی، تاریخ بیست ساله، جلد سوم چاپ قدیم، ص ۱۵۱.

۸. مواد شش‌گانه قرارداد در مقاله «قرارداد ۱۹۱۹ و واکنش‌های برخاسته در برابر آن» مندرج در شماره ۱۳۰/۱۲۹ ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی آمده است.

۹. مجلس دوره سوم با پیش آمدن مهاجرت و خارج شدن عده زیادی از نمایندگان از تهران تعطیل گردید و پس از پایان دوره تقنینه که مدت آن دو سال بود انجام انتخابات دوره چهارم در کابینه اول و ثوق‌الدوله (۲۹ شعبان ۱۳۳۴/۱۶ شهریور ماه ۱۲۹۵) صحبتش به میان آمد و در کابینه علاءالسلطنه (۱۴ شعبان ۱۳۳۵/۱۵ خردادماه ۱۲۹۶) انتخابات تهران انجام گرفت و ۱۲ نفر وکیل آن انتخاب شدند که شادروان سیدحسین مدرس یکی از آنها بود.

سیدضیاء و تشکیل مجلس دوره چهارم روزنامه‌ها گاه و بیگاه در اطراف کودتا مطالبی می‌نوشتند و درباره علت و بانی آن به بحث می‌پرداختند و با ایما و اشاره دست انگلیسی‌ها را در این رخداد نشان می‌دادند، برای جلوگیری از این‌گونه انتشارات عامل نظامی کودتا رضاخان سردار سپه وزیر جنگ را واداشتند با بیانیته معروف خود که «با حضور من مسبب حقیقی کودتا را تجسس کردن مضحک نیست؟» خویش را عامل اصلی کودتا معرفی کند! و با توپ و تشر و تهدید به مجازات، روزنامه‌نگاران را بترساند که دیگر در این مقوله مطالبی ننویسند!

شادروان عبدالله مستوفی در خاطرات خود می‌نویسد: «یکی از همین روزها من به دیدار سیدمدرس رفته بودم. سیدمخصوصاً از این شرایط خیلی عصبی بود و می‌گفت انگلیس‌ها حاضر بودند یکی دو میلیون خرج کنند تا این وصله را از خود بکنند. این مرد به رایگان تمام گناهها را به گردن گرفت و آنها را از این مخمصه بین‌المللی فارغ کرد که در آینده دولت ایران نتواند گله‌گذاری در این زمینه بنماید.»<sup>۴۲</sup> که البته روزنامه‌نگاران بدون بیم از این تهدیدات به افشاگری‌های خود ادامه دادند و در همان فردای انتشار این بیانیته زین‌العابدین فروزش مدیر روزنامه «نجات» در مقاله شدیداللحنی خطاب به سردار سپه نوشت: «عامل کودتا تو نبودی انگلیس‌ها بودند. اگر تو به این اقدام مبادرت نمی‌کردی یک صاحب‌منصب و افسر دیگر را می‌آوردند و چون می‌دانم مرا گرفتار خواهی کرد من پنهان می‌شوم تو هم هر کاری از دستت برمی‌آید بکن!»<sup>۴۳</sup>

سردار سپه برای یافتن او جایزه تعیین کرد و برای فشار به مطبوعات حکومت نظامی برقرار نمود و بنای سخت‌گیری به جراید را گذاشت که کار مدیران جراید به تحصن در سفارت شوروی و حضرت عبدالعظیم انجامید که شرح این وقایع فرصت و مجال دیگری می‌طلبد.

۱۰. سیمای احمدشاه، جلد یک، ص ۲۲۸.
۱۱. «ابطال الباطل» رساله ایست که شادروان عبداللّه مستوفی در نکوهش قرارداد ۱۹۱۹ به رشته تحریر در آورده است. متن کامل این رساله در جلد سوم خاطرات نویسنده (زندگانی من یا وضع اجتماعی و اداری ایران در دوره قاجاریه) به چاپ رسیده است.
۱۲. نقل به اختصار از رساله «ابطال الباطل» مندرج در جلد سوم تاریخ اجتماعی و اداری ایران در دوره قاجاریه، صص ۴۶ و ۴۷.
۱۳. حسین مکی، سلطان احمدشاه، ص ۱۰۶.
۱۴. سردار جنگل، ص ۱۴۰؛ جوزا یکی از صور منطقه البروج که به شکل دو توأم است. توأمان، دو پیکر (فرهنگ معین).
۱۵. تاریخ بیست ساله، جلد اول، ص ۵۳۰.
۱۶. بعد از انقلاب روسیه و خاتمه جنگ جهانی اول، انگلیس تصمیم گرفت دولتهایی که ملیت آنها با روس متباین است و تا آن زمان در تصرف روسیه بوده اند از دولت مذکور جدا شوند و هر یک استقلال داشته و حایلی باشند بین شوروی و ایران که دروازه هندوستان به شمار می رفت. بعضی از این دولتها به کسب استقلال مورد پسند انگلیس نایل آمدند مانند گرجستان، ارمنستان و آذربایجان قفقاز که متکی به حزبی بود به نام حزب مساوات.
- دولت وثوق الدوله حکومت آذربایجان قفقاز را که پایتخت آن باکو بود به رسمیت شناخت و برای رضای خاطر انگلیسها از یک طرف سفیر آذربایجان قفقاز را مانند یک دولت معتبر در تهران پذیرفت و از طرف دیگر سید ضیاءالدین طباطبائی مدیر روزنامه رعده را که از مداحان قرارداد بود در رأس هیأتی به باکو فرستاد تا قرارداد با دولت مذکور منعقد نماید که با ورود ارتش سرخ به باکو در هشتم شعبان ۱۳۳۸ حکومت مساواتیستها سقوط کرد و حکومت بالشویکی در آذربایجان برقرار شد و زحمات چندماهه آقا سید ضیاء برای بستن قرارداد با حکومت آذربایجان به هدر رفت!
- پس از سقوط حکومت باکو، ارمنستان و گرجستان نیز به تصرف بالشویکها در آمد و امید انگلستان که از این دولتهای تجزیه شده و استقلال تحصیل کرده! مدعیانی برای حکومت مرکزی بالشویکی بتراشد بدل به یأس گردید.
۱۷. نیروهایی که به سرکردگی ژنرال دنسترویل تا باکو پیش رفته بود و با سقوط حکومت مساواتی باکو و تصرف قفقاز به دست ارتش سرخ به جانب انزلی عقب نشینی کرده بود.
۱۸. نیروی قزاق مهمترین قدرت نظامی ایران بود که در عهد ناصرالدین شاه اجازه تأسیس آن به روسها داده شد. فرماندهی لشکر قزاق همیشه به یک افسر ارشد روسی سپرده می شد که معمولاً از بطرزبورگ یا قفقاز تعیین و به ایران اعزام می شد. دولت روسیه تزاری از طریق همین نیرو نفوذ تعیین کننده ای در سیاست ایران اعمال می کرد.
- با پیروزی انقلابیون روسیه و سقوط حکومت تزاری، از طرف کرنسکی رئیس حکومت موقت روسیه (که بعد جای خود را به حکومت انقلابی بالشویک سپرد) سرهنگ کلرژ به ریاست قزاقخانه ایران تعیین گردید که حکومت وقت ایران او را به رسمیت شناخت و نامبرده ناگزیر به کناره گیری شد و جای خود را به یکی از افسران ضد انقلاب و سلطنت خواه و اشرافی روس به نام سرهنگ استاروسلسکی داد.
۱۹. عمر این جمهوری کوتاه بود و میرزا بر اثر اختلافی که با بعضی از همراهان چپ رو مانند احسان الله خان و خالو قربان پیدا کرد بعنوان اعتراض شهر رشت را ترک گفت و نیروهای خود را به جنگل کشید و گوشه گرفت و تحت ریاست احسان الله خان حکومتی در رشت تشکیل گردید که در سیاست داخلی و نظامی خود دچار اشتباهات متعدّد شد. احسان الله خان سرانجام در یک حمله ناکامانه به نیروهای دولتی شکست خورد و به باکو گریخت. در این هنگام رضاخان سردار سپه وزیر جنگ کابینه قوام السلطنه با قزاقهای خود موقع را برای حمله قطعی و نهایی مغتنم دانست که در این حمله خالو قربان تسلیم شد و بدرجه سرهنگی وارد ارتش گردید. میرزا نیز که در مقابل قوای دولتی دست به عقب نشینی زده بود بتدریج اطرافیان خود را از دست داد و عاقبت در گردنه بین طالش و ناحیه خلخال با یک نفر آلمانی باوفا به نام کائوک (هوشنگ) از سرما به هلاکت رسید (دوم ربیع الثانی ۱۳۴۰ برابر یازدهم آذرماه ۱۳۰۰).
۲۰. از تاریخ امضای قرارداد، از طرف دولت انگلیس برای هزینه های جاری از محل وامی که قرار بود پس از تصویب قرارداد در مجلس در اختیار دولت ایران گذاشته شود ماهی سیصد و پنجاه هزار تومان بطور مساعد به دولت ایران

۲۸. حیات یحیی، جلد چهارم، ص ۱۸۶.
۲۹. سیمای احمدشاه، جلد دوم، ص ۲۵۲.
۳۰. این مجلس در دوره فترت برای رسیدگی به معضلات مملکتی تشکیل می‌شد و قبل از این جلسه اخیر دویار تشکیل شده بود، بار اول در ذیحجه ۱۳۳۱ در زمان ریاست وزرایی علاء السلطنه و بار دوم در رجب ۱۳۳۵ به هنگام نخستین ریاست وزرایی وثوق الدوله.
- ۳۱ و ۳۲. حیات یحیی، جلد چهارم، ص ۱۸۷.
۳۳. همان کتاب، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.
۳۴. تاریخ بیست ساله، جلد اول، ص ۱۱۳.
۳۵. سیمای احمدشاه، جلد دوم، ص ۲۶۰.
۳۶. همان کتاب، ص ۲۶۹.
۳۷. همان کتاب، ص ۲۷۱، از اسناد محرمانه، جلد ۱۳، سند شماره ۶۲۱.
۳۸. همان کتاب، ص ۳۳۰، تلگراف مورخه ۱۳ ژانویه ۱۹۲۱ از اسناد محرمانه، جلد ۱۳، سند شماره ۶۴۷.
۳۹. سیمای احمدشاه، جلد اول، ص ۲۰۳.
۴۰. از کتاب دوره جدید در حیات ایران و معاهده انگلیس و ایران که سیدضیاء این کتاب را هنگامی که در قفقاز بود نوشت (نقل از کتاب «مصدق»، در فصل سیدضیاء که بود، به اهتمام علی جان زاده از انتشارات همگام).
۴۱. دکتر محمد مصدق در دوره پنجم مجلس شورای ملی در مخالفت با عضویت وثوق الدوله که در کابینه مستوفی الممالک به سمت وزیر عدلیه منصوب شده بود درباره انصراف انگلیسیها از اجرای قرارداد ۱۹۱۹ چنین گفت:
- «وقتی بنده در شیراز بودم [استاندار فارس بود که به حکومت سیدضیاء گردن نهاد و از سمت خود استعفا کرد و وارد خاک بختیاری شد و تا سقوط حکومت سید در آنجا بود] روزی که قنصل انگلیس برای امور اداری نزد من نشسته بود از آقای سیدضیاء بیانیهای رسید. پرسید چه نوشته. گفتم قرارداد را لغو کرده است! خندید و گفت: (در انگلیس ضرب المثلی است که می‌گویند گریه مرده را کسی خوب نمی‌زند) قرارداد مرده بود و حاجت به لغو کردن آن نبود. از کتاب دکتر مصدق و نطقهای تاریخی او، گردآورنده حسین مکی، ص ۱۸۰.
۴۲. تاریخ زندگانی من، جلد سوم، ص ۴۹۱.
۴۳. تاریخ بیست ساله، جلد دوم چاپ قدیم، ص ۴۲.

- پرداخت می‌شد و حقوق قزاقان ماهیانه یکصد هزار تومان توسط انگلیس‌ها پرداخت می‌گردید.
۲۱. تاریخ بیست ساله، جلد اول، ص ۳۴.
۲۲. کمیته «آهن» یا «زرگنده» کمیته‌ای بود به ریاست سیدضیاءالدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد و با عضویت عده‌ای از رجال آگلو فیل ایران مانند عدل‌الملک دادگر که در دوره دیکتاتوری چند دوره رئیس مجلس بود، مازور مسعودخان وزیر جنگ کابینه کودتا، کنل کاظم خان حاکم نظامی تهران در حکومت سیدضیاء و از همه آنها مهمتر میرزا کریمخان رشتی عضو اینتلیجنس سرویس (که در کتاب جستارهایی از تاریخ ص ۷۷ از او به نام هدایت‌گر اصلی و مغز متفکر کمیته زرگنده یاد شده)، و برادر ماجراجویش عبدالحسین خان سردار محیی. در همین کتاب، کمیته زرگنده چنین معرفی شده است:
- «کمیته زرگنده... یک شبکه سیاسی بوده که اینتلیجنس سرویس در پوشش آن رجال گوناگون را مؤتلف می‌ساخته و استراتژی خود را پیش می‌برده است لذا می‌توانیم کمیته زرگنده را کانون توطئه‌گری بدانیم که مجری طرح‌های سرویس اطلاعاتی انگلستان بوده است.» نقل از صفحه ۷۷ کتاب.
۲۳. شادروان عبدالله مستوفی در صفحه ۱۷۷ از جلد سوم خاطرات خود به طرح‌ریزی این کودتا اشاره نموده و می‌نویسد ممانعت انگلیسها با تهدید یا تطمیع از آمدن استار و سلسکی به تهران بعد از انفصال از سمت خود از ترس این بود که مبادا سر کرده روس به تهران آمده بیگانه‌های خود را ثابت کند و در ضمن محاکمه، روابط افسران انگلیسی با افسران ایرانی آتر یاد رشت و راز کودتا بر ملا و افشا گردد. وی همچنین اظهار عقیده می‌کند که شاید استعفای مشیرالدوله هم با این طرح‌ریزی کودتایی ارتباط نباشد و نامبرده چون به مقصود اصلی آنها [انگلیسیها] یعنی فکر برپاداشتن کودتایی برده از سمت خود کناره‌گیری نموده است.
۲۴. اسناد محرمانه، جلد ۱۳، سند شماره ۵۲۶، به نقل از سیمای احمدشاه، جلد دوم، ص ۲۲۹.
۲۵. حیات یحیی، جلد چهارم، ص ۱۸۲.
۲۶. تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد یک قطع جیبی، ص ۵۷.
۲۷. سیمای احمدشاه، جلد دوم، ص ۲۸۸.